

برای امام رضا<sup>(ع)</sup> بیشتر از بقیه امامان شعر گفته شده

# تمام غریبان تورا می‌شناسند

احسان رضایی

موضوع شعر بین شیعیان، بحث پر ماجرای است. امامان شیعه در روزگار خلفا که مثل حالار سانه‌های گوناگون وجود نداشت، از شعر برای بیان پیامشان استفاده می‌کردند و در واقع شعر، رسانه آنها بود؛ برای همین است که می‌بینیم ائمه ما این قدر به شعرا اهمیت می‌داده‌اند و آنها را به سرودن شعر تشویق می‌کرده‌اند؛ مثلا امام صادق <sup>(ع)</sup> فرموده: «من قال فینا بیتا لله، بنا الله له بیتا فی الجنه؛ هر کس برای ما یک بیت بگوید، خدا برای او بیت و خانه‌ای در بهشت می‌سازد.»

در بین ائمه برای امام رضا<sup>(ع)</sup> بیشتر از بقیه شعر گفته شده؛ چرا که آن حضرت در دوره‌ای ولیعهد هم بودند و شاعران دوستدار اهل بیت<sup>(ع)</sup> راحت‌تر می‌توانستند شعر هایشان را برای آن حضرت منتشر کنند. یکی از این شعرا، دعبل معروف است که خودش می‌گفت ۴۰سال دار خودش را به دوش می‌کشیده و به خاطر سرودن شعر برای ائمه شیعه تحت تعقیب خلفای عباسی بوده. دعبل در زمان ولایتعهدی امام رضا<sup>(ع)</sup>فرصتی پیدا می‌کند تا آزادانه شهر به شهر برود و شعر هایش را برای مردم بخواند. او یک بار هم به حضور امام رضا<sup>(ع)</sup> رسید و شعری در بیان ظلم‌هایی که به پدران آن حضرت شده بود خواند که امام<sup>(ع)</sup> به او گفت بی‌تی را هم به شعرش اضافه کند که خبر از شهادت خود امام رضا<sup>(ع)</sup> در مشهد می‌داد:

«وقبر بطوس یالها من مصیبت، دل‌ها خواهد سوخت» امام رضا<sup>(ع)</sup> به جز این، شعرهای دیگری هم دارد و تا ۴۵ بیت شعر از ایشان باقی مانده‌است(همه این شعرها را می‌توانید در کتاب «علی‌بن موسی‌امام رضا<sup>(ع)</sup>» مرضیه محمدزاده، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۶) بخوانید. یک نمونه دیگر از اشعار امام رضا<sup>(ع)</sup>:

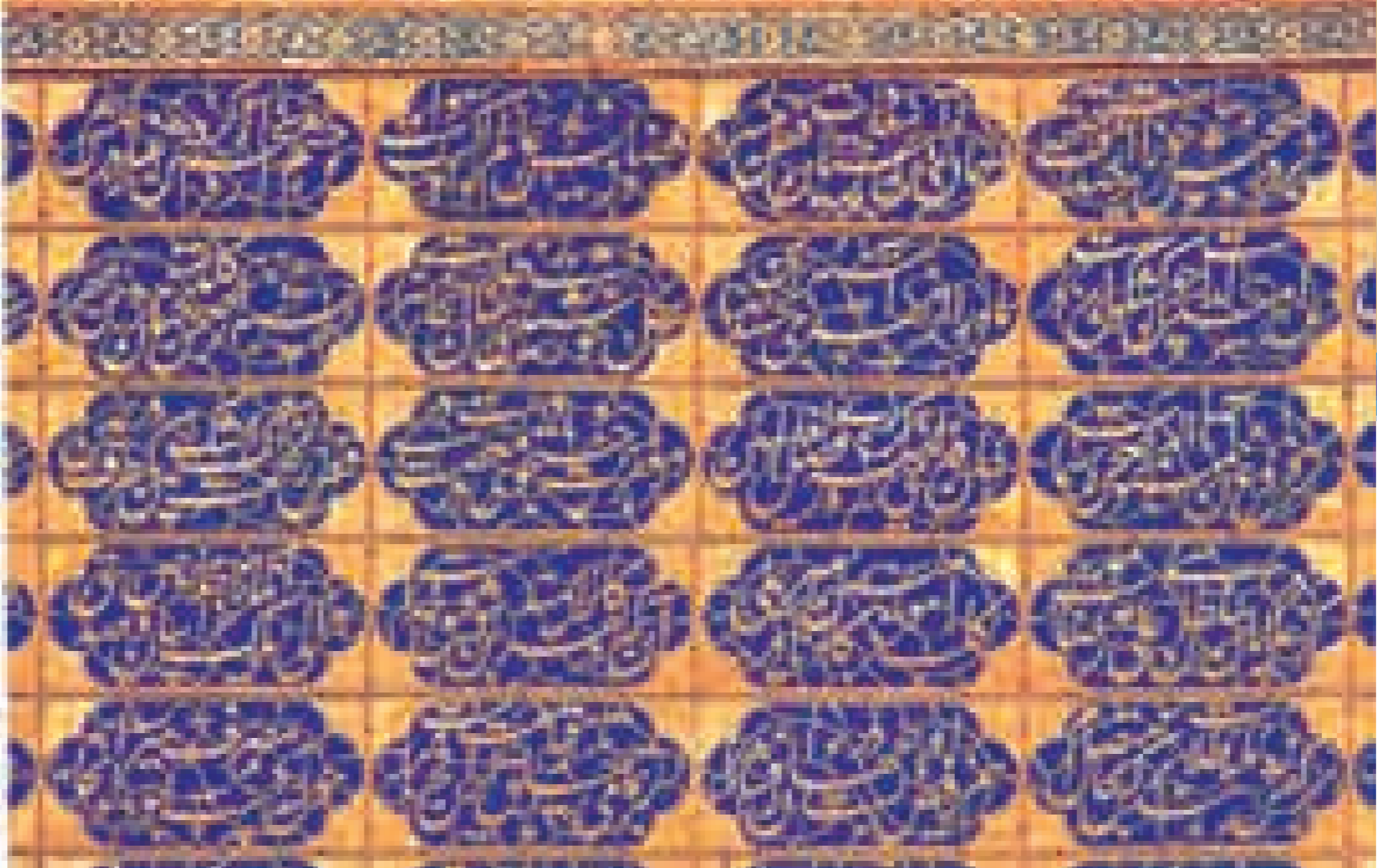
«کلنا نامل مدا فی الاجل

والمنا یاهادمات بالامل

لا تغرنک اباطیل المنا

والزم القصد و دع عنک العلل

انما الدنیا کظلم زائل؛


 دیوارهای داخلی حرم مطهر امام رضا<sup>(ع)</sup>درست مثل یک دیوان، پر از سروده‌های مختلف ادیبات ما هستند

## تورای شناسم

چشمه‌های خروشان تورا می‌شناسند

موج‌های پریشان تورا می‌شناسند

پرشش تشنگی را توای، جوابی

ریگ‌های بیابان تورا می‌شناسند

نام تور خصت رویش است و طراوت

زین سبب برگ و بارن تورا می‌شناسند

هم تو گل‌های این باغ را می‌شناسی

هم تمام شهیدان تورا می‌شناسند

از نساپور بر موجی از «لا» گذشتی

ای که امواج توفان تورا می‌شناسند

بوی توحید مشروط بر بودن توست

ای که آیات قرآن تورا می‌شناسند

گر چه روی از همه خلق پوشیده داری

آی پیدای پنهان، تورا می‌شناسند

اینک‌ای خوب‌افصل غربیی سر آمد

چون تمام غریبان تورا می‌شناسند

کاش من هم عبور تورا دیده بودم

کوچه‌های خراسان تورا می‌شناسند

(قیصر امین پور)



## یاموسی الرضا<sup>(ع)</sup> در یاب

ای علی موسی‌الرضا<sup>(ع)</sup>، پاکمرد یثربی، در طوس خوابیده

من تورا بیدار می‌دانم

زنده‌تر، روشن‌تر از خورشید عالمتاب

از فروغ و فر و شور زندگی سرشار می‌دانم

گر چه پندارند دیری هست، همچون قطره‌ها در خاک

رفته‌ای در ژرفنای خواب

لیکن ای پاکیزه بارن بهشت، ای روح عرش، ای روشنای آب

من تورا بیدار اپری پاک و رحمت‌بار می‌دانم

ای (چو بختم) خفته در آن تنگنای زادگاهم طوس

من تورا بیدار تر از روح و راه صبح، با آن طره ز ز تار می‌دانم

من تورا بی هیچ تردیدی (که دل‌ها را کند تار یک)

زنده‌تر، تابنده‌تر از هر چه خورشید است در هر کهکشانی، دور یا

نزدیک

خواه پیدا، خواه پوشیده

در نهان‌تر پرده اسرار می‌دانم

با هزار ای و دو صد بل بیشتر عمرت

ای جوانی و جوان جوادان، ای بور پاینده

مهربان خورشید تابنده

این غم‌ین همشهری پیرت

این غریب ملک ری، دور از تو دلگیرت

با تو دارد حاجتی، دردی که بی‌شک از تو پنهان نیست

وز تو جوید (در نهانی) راه و درمائی

جوادان جان جهان! خورشید عالمتاب!

این غم‌ین همشهری پیر غریبت راه دلش تاریک‌تر از خاک

یا علی موسی‌الرضا<sup>(ع)</sup>، دریاب

چون پدرت این خسته‌دل زندانی دردی

یا علی موسی‌الرضا<sup>(ع)</sup>، دریاب، در مان

بخش

یا علی موسی‌الرضا<sup>(ع)</sup> دریاب

مهدی اخوان ثالث(م – امید)

مجالس تعزیه امام رضا<sup>(ع)</sup> از پر طرفدارترین مجالس تعزیه است

## امامت، ضامن آهو، رضایم

احسان ناظم بکایی

تا می‌گوییم تعزه، ذهن همه سراغ محرم می‌رود و عاشورا و امام حسین<sup>(ع)</sup> اما مجموعه مجالس تعزیه بیشتر از مجالس شناخته شده‌ای است که مادر باره امام حسین<sup>(ع)</sup> و کربلا می‌شناسیم. بقیه ائمه و اتفاقات تاریخ اسلام هم تعزیه دارند. امام رضا<sup>(ع)</sup> هم به دلیل قرابت و نزدیکی‌ای که ما ایرانی‌ها به ایشان داریم، تعزیه‌های پر و پیمانی دارند؛ از مجلس شهادت خود امام<sup>(ع)</sup> گرفته تا مجلس زائر غریب. در مجلس تعزیه زائر غریب که البته داستانش هیچ سند ی‌تی ندارد در یک فضای سوررئالیستی، زائری می‌میرد و امام حسین<sup>(ع)</sup> و امام رضا<sup>(ع)</sup> درباره اینکه این زائر، زائر کدامشان است با هم مباحثه می‌کنند. این مجلس کوتاه که به آن گوشه هم می‌گویند، به خاطر اینکه دو امام<sup>(ع)</sup> مناقب و مصائبشان را می‌گویند خیلی اشک‌دراور است اما از بیخ، خالی‌بندی است.

معروف‌ترین مجلس تعزیه امام رضا<sup>(ع)</sup>، مجلس شهادت حضرت است

که معمولا آخر صفر و در کنار تعزیه امام حسن<sup>(ع)</sup> و پیامبر<sup>(ص)</sup> و به عنوان

پایان دو ماه عزاداری محرم و صفر اجرا می‌شود. مجلس شهادت امام،

۱۵خصصیت دارد و جزو پر نکته‌ترین و اکتیوترین تعزیه‌هاست. این تعزیه

با حرکت و وداع امام<sup>(ع)</sup> از مدینه آغاز می‌شود، بعد به ماجرای ضامن آهو

می‌رسد. امام<sup>(ع)</sup> از صیادی که آهوپی را گرفته می‌خواهد تا او را آزاد کند تا

به بچه‌هایش شیر بدهد و برگردد و در این فاصله هم امام<sup>(ع)</sup> را ضامن نگه

دارد. این بخش از تعزیه که با یک آهوی واقعی هم اجرا می‌شود خیلی جذاب

است. در بخش بعدی امام<sup>(ع)</sup> در ادامه راه به یک سلمانی بی‌کس می‌رسد.

سلمانی از امام<sup>(ع)</sup> می‌خواهد موقع مرگ سر او را به دامن بگیرد. امام<sup>(ع)</sup> قبول

می‌کند. به مرو می‌رسد و مامون به استقبال او می‌رود. در همین هنگام عزرائیل سراغ سلمانی می‌رود و امام<sup>(ع)</sup> بلافاصله از مجلس مامون به سر

پیکر سلمانی می‌رود و به عهدش وفا می‌کند. بخش بعدی تعزیه ماجرای

معروف شیر برده است.

مامون مجلسی ترتیبی می‌دهد که یک نفر منکر امامت امام<sup>(ع)</sup> می‌شود

و امام(ع) را مسخره می‌کند که اگر می‌توانی به نقش شیر روی پرده جان

بده تا بیاید من را بخورد. امام<sup>(ع)</sup> با اشاره دست به شیر فرمان می‌دهد. شیر

جان می‌گیرد و مرد را می‌خورد. تعزیه خوان‌ها برای این صحنه، با پارچه

زرد و پوستین، شیر عروسکی‌ای می‌سازند که یک نفر داخلش می‌رود و

شیر عروسکی بگه‌و از پشت پارچه آویزان بیرون می‌چهد. این صحنه و

ضربه‌ای که به بیننده می‌زند خیلی تکان‌دهنده است. ماجرا ادامه دارد.

در صحنه بعدی مامون برای اینکه به امام<sup>(ع)</sup> جسارت بکند به پیرزنی پول

می‌دهد تا پسرش لکی خودش را به مردن بزند؛ آن وقت تا امام<sup>(ع)</sup> خواست

نماز میت بخواند، بیدار شود و امام<sup>(ع)</sup> را مسخره کند که «اگر تو واقعا امامی،

چرا نفهمیدی من زنده‌ام؟». همه چیز مطابق نقشه پیش می‌رود اما پسر

بلند نمی‌شود و واقعا می‌میرد. پیرزن ضجه‌زنان به امام<sup>(ع)</sup> التماس می‌کند

که پسرش را زنده کند و مدام به مامون فحش می‌دهد. بالاخره امام<sup>(ع)</sup>

پسر را زنده می‌کند و مامون کف می‌شود. بعد از این ماجرا، مامون به فکر

شهید کردن امام<sup>(ع)</sup> می‌افتد و انگوری زهر آلود به امام<sup>(ع)</sup> می‌دهد و امام<sup>(ع)</sup>

با آمدن امام جواد<sup>(ع)</sup> شهید می‌شود. بخش‌سی که در زیر می‌خوانید، قطعه

معروف ضامن آهو است.

صیاد: عجب صیدی بیفته‌ده دامم

شده شهد جهان یک سر به کامم

غزال خوش خرامی شد دچارم

برم راستش که کام دل بر آرم

امام<sup>(ع)</sup>: الا ای مرد صیاد جفاکار

مده این گونه بر این صید آزار

صیاد: چه می‌گویی توای مرد خردمند

نبینم سود، جز نقصان از این پند

امیدم این یک آهوست‌ای وفاجو

عیالم چشم اندر راه آهو

امام<sup>(ع)</sup>: بیابهر رضای غی غفار

ز دست و پای آهو بند بردار

دو چشمم اشک‌ریز است از برایش

که بی‌شیرند آهو بره‌هایش

رها کن صیدا را تو بی‌بها‌نه

میر این صیدا را صیاد! خانه

صیاد: چه خواهش هست از من می‌نمایی

که حرف تو ندارد ره به جایی

اگر رفت و نیامد، صید جسته

چه سازد با تو این صیاد خسته؟

امام<sup>(ع)</sup>: اگر رفت و نیامد این غزالت

بکش ای مرد، خون من حلالت

بیا از گردنش زنجیر بردار

به دست و پای من زنجیر بگذار

صیاد: طناب از آهو بر می‌دار دو او را آزاد می‌کند.

صیاد: برای مصلحت کردم‌رهایش

که سازد شیر مست او بر هایش

بیاور دست در خم کندم

به جای صید دستان تو بندم

آهو می‌رود و امام<sup>(ع)</sup> در بند صیاد می‌ماند. آهو تاخیر می‌کند و صیاد بی‌قرار

می‌شود

صیاد: نیامد آهو بیم‌ای مرد دل‌ریش

امام<sup>(ع)</sup>: کنون آید مکن‌ای مرد کشویش

صیاد: نیامد آهو بیم‌ای نور سرمد

امام<sup>(ع)</sup>: مخور غم خواهد آمد خواهد آمد

در این هاگیر واکبر ناگهان آهو همراه با بچه‌هایش می‌آید

صیاد: خنجر می‌کنم مجروح بهلو

امام<sup>(ع)</sup>: مکش خنجر که آمد بره آهو

صیاد: نشاید تا ببیند دشمن دوست

امام<sup>(ع)</sup>: دو بره کن نظر همراه آهوست

صیاد: که باشی کور گردد دیده‌هایم

امام<sup>(ع)</sup>: امامت، ضامن آهو، رضایم

صیاد به پای امام<sup>(ع)</sup> می‌افتد و طلب بخشش می‌کند. امام<sup>(ع)</sup> هم او را می‌بخشد

و راهی مرو می‌شود.

همشهری جوان

●

شماره ۲۳۵ ●

۹ آبان ۸۸